صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

#۵۰۰فرزندخوانده

جامعه پدیا

هر سال بخشی از کودکان بی‌سرپرست یا بد سرپرست به خانواده‌های متقاضی فرزند سپرده می‌شوند و تعداد خانواده‌های متقاضی فرزند همیشه از تعداد این کودکان بیشتر است. به گفته مسئول فرزندخواندگی بهزیستی استان تهران، در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ سالانه بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ کودک به خانواده‌های متقاضی معرفی شده‌اند.
فاطمه محمدی سرشت اینطور شرح داده است که میانگین تعداد خانواده‌های متقاضی استان تهران سالانه حدود ۲۰۰۰خانواده است. تعداد فرزندان پسر معرفی‌شده بیشتر از دختران اما به‌دلیل اینکه متقاضی برای فرزند پسر نیز زیاد است، معمولا خانواده‌ها در نوبت طولانی نمی‌مانند.
کمیته‌های فرزندخواندگی شهرستان‌ها در مرکز استان تشکیل می‌شوند اما به‌دلیل تعداد بالای خانواده‌های متقاضی، در ۴شهرستان بزرگ شامل تهران، ری، شمیرانات و شهریار کمیته‌های جداگانه‌ای برگزار می‌شود. در هفته ۳روز این کمیته برگزار می‌شود که ۲روز به واگذاری و یک روز به بررسی وضعیت خانواده‌ها اختصاص دارد. در هر مرحله از بررسی اگر مشکلی از سوی خانواده متقاضی بروز کند، فرایند لغو می‌شود.

خبرخوان

مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال **از ثبت بیش از ۱۱هزار واقعه ولادت چندقلوزایی** در ۷ماه اول سال خبر داد که ۳۵۲زایمان سه‌قلو و ۱۱زایمان چهارقلو بود.

دبیر کل ستاد مبارزه با موادمخدر گفت **با کشت کنترل‌شده شقایق الیفرا، ۹۰درصد نیاز دارویی** کشور قابل تأمین است.

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش گفته **بیش از ۶۰ درصد زندانیان** تحصیلات پایین‌تر از دیپلم دارند.

رئیس ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی کشور از **آغاز ارزیابی مناسب‌سازی ایستگاه‌های قطار** مسیر تهران - مشهد توسط تیم مشترک بهزیستی و وزارت راه و شهرسازی خبر داد.

هلال احمر در اردوگاه افغان‌ها

اصل و شرح

پایگاه هلال‌احمر در اردوگاه مراقبتی تهران شروع به کار کرد. این اردوگاه که برای بازگشت اتباع بیگانه ساخته شده محل اعزام اتباعی است که به‌دلیل نداشتن مدارک معتبر بازداشت شده‌اند و به نام اردوگاه عسگرآباد شناخته می‌شود. به گفته مسئولان اداره کل امور اتباع و مهاجران خارجی استانداری تهران، با فعالیت این پایگاه، رسیدگی به امور اتباع با همکاری سازمان هلال احمر به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی انجام می‌گیرد. روند بازگشت اتباع غیرمجاز که عمدتا اهل افغانستان هستند از سال گذشته افزایش پیدا کرد. یکی از اردوگاه‌های تهران که در منطقه خاوران قرار دارد، محل مراجعه اتباع خودمعرف است و هر روز تعدادی از افغانستانی‌ها از این محل به مرزهای شرقی فرستاده می‌شوند. اردوگاه عسگرآباد در منطقه پیشوا نیز دیگر محل رسیدگی به امور اتباع است.

در بند اضطراب

چرا سطح ابتلا به مادر بیماری‌های روانی در کشور ما بالاست

جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | تقریبا همه ما نگران چیزی هستیم؛ نگران مشکلات اقتصادی، ناتوانی از تامین نیازهای زندگی روزانه و بی‌ارزش شدن دارایی اندکی که داریم، نگران خشکسالی که تا نیمه پاییز ادامه دارد و آلودگی هوا که بعد از آن شروع می‌شود. نگران تحریم‌های بسیاری که باعث سختی‌های متفاوت می‌شود؛ نگرانی‌هایی که به شکل اضطراب از تک تک افراد به کل جامعه سرایت می‌کند. بنا به آماری که از قول سازمان جهانی بهداشت منتشر شده، ایران پنجمین کشور در فهرست کشورهایی است که بیشترین میزان اضطراب را دارند. در سال‌های قبل آمارهای دیگری هم در این‌باره اعلام شده است که درباره افزایش اضطراب و افسردگی یا به بیان دیگر درباره افزایش اختلال روانی هشدار می‌دهد.

خشم یا افسردگی

همه مردم مسیر تبدیل اضطراب به خشم را طی نمی‌کنند. این روانشناس می‌گوید: «کسانی هم هستند که خشم را تبدیل به پرخاش نمی‌کنند اما در مرحله بعد دچار افسردگی می‌شوند. افسردگی انزوای اجتماعی به‌وجود می‌آورد. کسی که دچار جمع‌گریزی شود به ابزارهایی پناه می‌برد تا به‌طور موقت این مشکل را رفع کند. یکی از این ابزارها موادمخدر و دیگری شبکه‌های اجتماعی دیجیتال است و در نتیجه جامعه معتادگون می‌شود.» به گفته او اضطراب منجر به خشم، مسیرهای متفاوتی را در جامعه طی می‌کند. گاهی متوجه شریک زندگی می‌شود و به‌صورت رفتارهای خشن در می‌آید و گاهی به شکل «خود ناتوان‌سازی» بروز می‌کند مانند دانش‌آموزانی که از درس خواندن خودداری می‌کنند و نتیجه آن به کاهش معدل عمومی مدارس منجر می‌شود.

مادر بیماری‌های روانی

یک‌ماه قبل نتایج تازه‌ترین پیمایش ملی سلامت روان نشان داد بیش از یک‌چهارم ایرانیان به اختلالات روانی مبتلا هستند. علیرضا شریفی یزدی، فوق‌دکترای روانشناسی اجتماعی در این‌باره به همشهری می‌گوید: «اینکه جامعه ما نسبت به نُرم جهانی اضطراب بیشتری دارد هم با پژوهش‌های علمی و هم با مشاهدات میدانی دیده می‌شود. ما در خاورمیانه، آسیا و جهان یکی از پراضطراب‌ترین کشورها هستیم و اضطراب مادر همه بیماری‌های روانی از جمله افسردگی، وسواس، اختلال‌های خلقی و... است.» او دلیل افزایش اضطراب را اینطور شرح می‌دهد: «در ۵-۴دهه اخیر در التهاب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به سر می‌بریم که نمونه آن تورم دورقمی برای بیش از ۴دهه است. مسائل اقتصادی منبع اضطراب است. از طرف دیگر این حجم اضطراب که تولید، پمپاژ و دریافت می‌شود در میان مردم باعث پیامدهایی می‌شود که یکی از آنها خشم است.» شریفی یزدی با اشاره به اینکه اضطراب، خشم و خشونت معانی متفاوتی دارند، تأکید می‌کند: «در جامعه ما خشم خیلی زیاد است و در کلام و صحبت مردم این را می‌بینید. وقتی با ترافیک شدید شهری روبه‌رو می‌شویم خشمگین هستیم اما این خشم زمانی که به رفتار تبدیل شود پرخاش و بعد از آن خشونت نام دارد.»

راه فرار از اضطراب

مشکلات اقتصادی را در بسیاری از کشورهای جهان می‌توان دید اما این کشورها در رتبه‌های بالای اضطراب اجتماعی قرار نمی‌گیرند. چگونه ممکن است که در عین تورم شدید تنش‌های روانی جامعه افزایش پیدا نکند؟ شریفی یزدی می‌گوید: «یکی از عواملی که اضطراب را زیاد می‌کند این است که سازوکار فرهنگی برای جلوگیری از رسوب کردن عوارض اضطراب‌زا نداریم. در همسایگی ما کشورهایی در منطقه قفقاز هستند که هم مشکلات اقتصادی دارند و هم اخیرا دچار جنگ شده‌اند اما سازوکارهای فرهنگی دارند که برخی به درستی و برخی به غلط می‌توانند عوارض اضطراب را کاهش دهند.» او در شرح تأثیر فرهنگ بر اختلال‌های روانی مثالی می‌زند: «ترکیه از نظر فرهنگی یک‌دست نیست. شرق و شمال شرق این کشور شبیه ماست. جنوب و جنوب شرق ترکیه در همسایگی عراق و سوریه هم مشکلات مشابه دارد اما قسمت‌های دیگر مانند استانبول، آنکارا و ازمیر شاخص‌های بهتری دارند.»

شکاف نسلی و اجتماعی

آرین عمرانی، کارشناس روانشناسی دلایل دیگری جز اقتصاد را در ایجاد اضطراب اجتماعی مؤثر می‌داند. او به همشهری می‌گوید: «تعارض عامل اصلی ایجاد اضطراب است؛ مخصوصا زمانی که فرد باید بین چند چیز مصالحه کند و نمی‌تواند این کار را انجام دهد. اضطراب چند دلیل دارد و صرفا اقتصادی نیست. بلکه برهم‌کنشی از عوامل فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و بین فردی یعنی در سطح خرد جامعه است.» او ادامه می‌دهد: «آمار اختلال روان خیلی زیاد است و نباید آن را صرفا به اقتصاد تقلیل داد. ما تقابل فرهنگ سنتی با زندگی مدرن را داریم که در این مقطع با مشکل اقتصادی همراه شده است.» عمرانی می‌گوید: «الان می‌خواهند فرهنگ سنتی را که مربوط به اقتضائات زمانی دیگری بود همچنان اجرا کنند که نتیجه آن شکاف نسل‌هاست. شکاف نسلی و فرهنگی دائما عمیق‌تر می‌شود در حالی که تلاش می‌کنیم با انکار واقعیت‌ها آن را بپوشانیم اما این شکاف گسترش پیدا می‌کند و باعث سقوط جامعه در گرداب اضطراب می‌شود.»

طرح: همشهری/ هومن اکبریان

صفحه‌آرا: مجید اصغری

هشتگ روز

صابر کاظمی و تکرار یک اشتباه قدیمی

لیلا شریف | روزنامه‌نگار | ماجرای اطلاع‌رسانی درباره وضعیت جسمی صابر کاظمی، والیبالیست ملی‌پوش بار دیگر ضعف مزمن و تکراری در مورد خبر درست را آشکار کرد. از روزی که خبر بستری‌شدن او منتشر شد، هر روز روایتی تازه و متناقض در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود؛ یک روز حالش را وخیم اعلام می‌کنند، روز بعد خانواده‌اش خبر از بهبودش می‌دهند و روز بعد سکوتی طولانی جای همه‌چیز را می‌گیرد. نتیجه این آشفتگی و سردرگمی چیزی جز بی‌اعتمادی عمومی نیست.
این الگوی آشنا در بسیاری از اتفاقات مشابه تکرار شده است؛ از سانحه برای ورزشکاران گرفته تا وضعیت هنرمندان، مسئولان و حتی سلبریتی‌ها. در چنین موقعیت‌هایی، نبود مرجع رسمی و پاسخگو باعث می‌شود فضای مجازی به میدان گمانه‌زنی و شایعه تبدیل شود. هر رسانه‌ای می‌کوشد زودتر از دیگری خبری منتشر کند؛ حتی اگر هنوز صحت آن تأیید نشده باشد. در نهایت این افکار عمومی است که با انبوهی از خبرهای ناقص و متناقض روبه‌رو می‌شود و هر بار از خود می‌پرسد: «چه کسی راست می‌گوید؟»
در این میان، کم نیستند رسانه‌ها و کانال‌های خبری غیررسمی که به جای حل ابهامات، خودشان در تله این آشفته‌بازار اطلاع‌رسانی گرفتار می‌شوند. در این شرایط به جای اینکه مخاطب با خیال راحت یک خبر را بخواند، اگر حوصله داشته باشد — که البته به‌طور معمول اتفاق نمی‌افتد- دست به صحت‌سنجی خبر می‌زند و آن زمان است که مشکلات عیان می‌شوند. حجم خبرهای متفاوت در مورد یک موضوع، به این منجر می‌شود که مخاطب، دیگر نداند کدام رسانه را باید جدی بگیرد و حرف کدام مسئول را به‌عنوان سند معتبر شناسایی کند.
باید قبول کنیم که در کنار مسابقه نانوشته رسانه‌ها برای انتشار به‌روزترین خبر در مورد چنین موضوعاتی، نبود فرهنگ پاسخگویی هم نقش پررنگی دارد. نبود چنین فرهنگی موجب می‌شود که یک روز خبر دلخراش مرگ مغزی بازیکن والیبال از سوی فدراسیون والیبال کشورمان اعلام شود و روز دیگر سجاد رضوی، معاون درمان وزیر بهداشت، از به کما رفتن صابر کاظمی خبر دهد و از مردم بخواهد که به شایعات درگذشت این بازیکن توجه نکنند.
واقعیت این است تا زمانی که نهادهای رسمی خود را موظف به اطلاع‌رسانی دقیق، بموقع و قابل استناد ندانند، رسانه‌ها نیز بر پایه حدس و شایعه خبر خواهند نوشت. در نهایت، قربانی اصلی اعتماد عمومی است که هر بار بیشتر از بین می‌رود.

قدرت‌نمایی با توهم راننده برتر

در روزهای گذشته ویدئویی از اعمال قانون یک راننده متخلف مورد استقبال کاربران فضای مجازی قرار گرفت. در این ویدئو یک راننده تلاش می‌کند که با انجام حرکات خطرناک در اتوبان به قول خودش نحوه رانندگی درست را به یک راننده زن یاد بدهد. این راننده به بهانه اینکه راننده زن راهنما نزده بود، دست به قانون‌شکنی مستمر زد و از سوی گشت نامحسوس پلیس راهور شکار شد. برخورد درست پلیس راهور و توبیخ راننده متخلف پس از تعقیب و گریز موجب شد که بسیاری در فضای مجازی به این پلیس دست‌مریزاد بگویند و این توبیخ را شیوه‌ای برای باطل کردن توهم «راننده برتر» در خیابان‌ها بدانند.

کلاس عربی با ریتم موسیقی ایرانی

درباره معلم جوانی که صرف و نحو زبان عربی را با موسیقی ایرانی آموزش می‌دهد و حسابی معروف شده است

گزارش

سحر جعفریان | روزنامه‌نگار | نه تولد است و نه جشن پایان سال، اما صدای ریتم و آواز از یکی از کلاس‌های پایه نهم در مدرسه‌ای دولتی در قم شنیده می‌شود. دانش‌آموزان شاد و سرحال، ریتم «لا، می، سل...» آهنگ گیلکی «آها بوگو» را در دستگاه شور گرفته‌اند. بعضی‌شان سر ضرب، روی نیمکت‌های خط خطی از یادگاری‌نوشته‌ها می‌کوبند و بعضی دیگر آکورد آهنگ را با کوبه‌های پاهایشان بر زمین حفظ کرده‌اند. فرامرزی، کارشناس‌ارشد و دبیر زبان و ادبیات عربی و قاری قرآن است که موسیقی می‌داند و اهل دورود لرستان و ساکن قم که این روزها کلیپ‌های آموزشی و آهنگینش در شبکه‌های مجازی، دست‌به‌دست می‌شود. اینجا کلاس درس آقای فرامرزی است که با بهره‌گیری از موسیقی ایرانی و ذوق معلمی، آموزش را از قالب سنتی و تکراری بیرون کشیده و به تجربه‌ای تازه و لذتبخش برای شاگردانش تبدیل کرده است. کلیپ‌های آموزشی او در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود و حالا بسیاری از دانش‌آموزان، مشتاقانه منتظر زنگ عربی‌اند؛ درسی که زمانی از سخت‌ترین و خشک‌ترین درس‌های مدرسه بود، اما حالا در کلاس آقای فرامرزی، رنگ دیگری دارد.

کلاسی که دیگر سخت نیست

همه روزهای هفته منتظرند تا روز و زنگ درس عربی فرابرسد؛ کلاس درسی که هم فال است و هم تماشا. شوق‌شان برای حضور در این کلاس و یادگیری زبان و ادبیات عربی از سر خلق‌وخو و شیوه آموزشی متفاوت دبیر جوان است. شوخ‌طبعی، سلفژدانی و خلاقیت فرامرزی، درس‌نخوان‌ترین دانش‌آموزان را هم درس‌خوان و نیمکت‌نشین کرده؛ آنچنان که همگی‌شان عربی را به اندازه ورزش یا زنگ‌هایی که معلم به هر دلیل نمی‌آید، دوست دارند؛ حتی اگر به فصل سخت کتاب عربی یعنی قواعد دستور زبان یا صرف و نحو انواع افعال و ضمایر رسیده باشند. به جز دانش‌آموزان، ۴۳۰هزار فالوئر نیز فرامرزی را در شبکه‌های مجازی دنبال می‌کنند. رد فالوئرها زیر پست و استوری‌های آقای معلم با لایک و کامنت‌های فراوان، پیداست. واژگان متصل یا منفصل، ضمایر مفرد یا جمع را در کنار افعال ماضی و مضارع به ملودی‌های سنتی ایرانی و در دستگاه همایون، شور یا آواز دشتی، افشاری و اصفهان می‌خواند و آموزش می‌دهد. حدود ۲سال پیش، روز معلم بود که فرامرزی کلیپی از خود و دانش‌آموزانش منتشر کرد. از همان روزی که آن کلیپ وایرال شد، همه او را با آموزش‌های آهنگین می‌شناسند.

گام سل، لا، سی و صیغه متکلم‌وحده

کلاس در تصرف آواز است و هیاهوی دانش‌آموزانی که خوشحالند از زود یاد گرفتن درسی که پیش از این دیرفهم بوده‌است. فرامرزی پشت به تخته وایت‌برد نشسته: «خب، حالا با همین ملودی، فعل ذهب را صرف کنیم.» حسن که صدای ۶دانگی دارد، شیطنت می‌کند: «آقا، اجازه می‌دید این فعل رو به سبک یکی از آهنگای قدیمی صرف کنیم... بچه‌ها همه بلدن.» کمی بعد، حسن به دستگاه شور و بر گام سل و لا می‌خواند و باقی به‌دنبالش هم‌آواز می‌شوند: «یذهَبُ، یذهَبانِ، یذهَبونَ...» فرامرزی نیز روی همان ریتم، فعل را در صیغه متکلم‌وحده و متکلم‌مع‌الغیر صرف می‌کند: «أذهَبُ...نَذهَبُ». شور دانش‌آموزانش را که می‌بیند خاطرش می‌رود به گذشته که معلمان، اغلب رفتاری رسمی و شیوه‌ای سخت برای تدریس داشتند: «معلم عربی‌مان بداخلاق بود؛ انگار بداخلاقی معلم، خوب‌بودن بود...» برای فرامرزی که از کودکی دلش می‌خواست معلم شود، خاطراتی از این دست کم نیست.

این شیوه تدریس الگو شد

اوایل، مدیران مدارس که در اسکرول شبکه‌های مجازی، کلیپ‌های این دبیر جوان را می‌دیدند، نقدش می‌کردند. او به همشهری می‌گوید: «می‌گفتند کلاس درسه یا مجلس بزن و بکوب...، معلم هم بود، معلم‌های قدیم...، ببینم سر امتحان هم همین قدر می‌خندن... و این جوری بچه‌ها ازش حساب نمی‌برن و... اما حالا با زیر و رو کردن کارنامه دانش‌آموزانم این نتیجه عجیب را دریافته‌اند که میانگین نمرات آنها (بالای ۱۳) بالاتر از میانگین نمرات نهایی مدارس دولتی (زیر ۱۰) است. حالا گوشی تلفن همراهم از زنگ نمی‌افتد؛ بس که تماس می‌گیرند تا دبیر عربی مدرسه‌شان که اغلب غیردولتی و تیزهوشان است، شوم.» از سر همین شهرت و لایک‌گیری در فضای مجازی است که کلی پیشنهاد تدریس خصوصی برایش می‌آید اما راستش خیلی کم پیش می‌آید که تدریس خصوصی قبول کنم.» دانش‌آموزان انگار که در تدارک سمفونی تازه‌ای هستند تا صرف ضمایر متصل را نیز با خوانش، یاد بگیرند: «هُ، هُما، هُم...». همزمان، دوربین گوشی همراه فرامرزی روشن می‌شود. در کادر آن فرامرزی نمایان است که کم‌کم می‌خندد و ریتم صرف ضمایر را می‌گیرد.